

مدل یابی روابط ساختاری بین ابعاد هویت فردی، اجتماعی و ملی در دانشجویان Model of Structural Relations between Dimensions of Personal, Social and National Identity in Student University

Mohammad Solgi PhD ✉

محمد سلگی^۱

Abstract

The purpose of the present study was to investigate structural relations between dimensions of personal and social identity elements and their effects on students of Tehran universities' national identity. The research method was descriptive and correlational. two personal identity questionnaires (Adams), known as "Extended Objective Measure of Ego Identity Status" and a national and social identity questionnaire (prepared by the researcher) were used as research instruments. About 600 university students of Tehran City (17 universities as the statistical population of the research) were examined by these tests and finally, 524 true questionnaires (without error) were registered and analyzed in a data processing system, and then path analysis was used to analyze the data. The results showed that the model had the necessary fit and direct and indirect effects of dimensions of personal and social identity elements were significant on national identity ($p < 0.01$) and considering national identity regardless of the elements of social and personal identity is a reductionist understanding. Accordingly, social policymakers are advised to consider the role of youth personal and social identity bases in trying to strengthen the national identity of students and to take practical intervention to strengthen these components.

Keywords: National Identity, Personal Identity Status, Social Identity, Ethnic Identity, Religious Identity, Modern Identity

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی روابط ساختاری بین ابعاد هویت فردی، اجتماعی و ملی در میان دانشجویان دانشگاه های تهران انجام شد. مطالعه حاضر از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی بود. از دو پرسشنامه هویت فردی آدامز، مشهور به پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی من و پرسشنامه هویت اجتماعی (شامل هویت مدرن، دینی، قومی) و ملی به عنوان ابزار تحقیق استفاده گردید. این دو پرسشنامه روی ۶۰۰ دانشجوی دانشگاه‌های شهر تهران (۱۷ دانشگاه شهر تهران به عنوان جامعه آماری پژوهش) به اجرا در آمد و در نهایت ۵۲۴ پرسشنامه (فاقد ایراد) در سیستم پردازش داده‌ها ثبت و روابط ساختاری آنها در قالب تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد مدل روابط ساختاری متغیرهای هویت از برآزش لازم برخوردار است و اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت فردی و اجتماعی بر هویت ملی معنادار است ($P < 0/01$) و فهم هویت ملی بدون توجه به لایه های هویت فرد اجتماعی فهمی کاهش گرایانه است. بر این اساس به سیاست‌گذاران اجتماعی توصیه می‌شود در تلاش برای تقویت هویت ملی در دانشجویان نقش پایگاه‌های هویت فردی و اجتماعی جوانان را در نظر داشته باشند و برای تقویت این مولفه‌ها اقدامات کاربردی صورت دهند.

واژه‌های کلیدی: هویت ملی، پایگاه هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت قومی، هویت دینی، هویت مدرن.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۳ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۶/۱۴

۱. گروه روانشناسی اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

● مقدمه

هویت (identity) یکی از مفاهیم اساسی در روانشناسی و علوم اجتماعی است. ابعاد هویتی ماتعین کننده بخش وسیعی از فرآیندهای روانشناختی و اجتماعی است؛ از جمله انتخاب های افراد، اهدافی که پیگیری می کنند، تجربیات هیجانی، ارتباط با دیگران، رفتار خصمانه و دوستانه با گروه های متفاوت مردم و نهایتاً بهزیستی جسمانی و روانشناختی (وینگولز، ۲۰۱۷). این مساله به حدی مهم است که برخی تحقیقات مانند محمدی و فولاد چنگ (۱۳۹۷) نشان داده اند که سبک های هویت (identity styles) حتی ارتباط بین دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان را نیز تنظیم می کنند و نقش واسطه ای در تنظیم هیجانات بر عهده دارند. مطالعات هویت هسته اصلی پاسخ افراد به سوال چه کسی هستید در ابعاد فردی و اجتماعی است (وینگولز، شوارتز و لایکس، ۲۰۱۱). با این مقدمه به شکل کلی می توان گفت که مفهوم هویت اساساً به درک و فهم افراد از خودشان به عنوان یک وجود مشخص و متمایز اشاره دارد (واترل، ۲۰۱۰). هویت با عاملیت شخصی دارای ارتباط است (حجازی و همکاران، ۱۴۰۰).

هویت اجتماعی نیز عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد. یکی از بهترین تقسیمات از هویت، تقسیم بندی سه گانه ای است که هویت را به سه وجه فردی، اجتماعی و ملی تقسیم می کند (احمدی، ۱۳۸۳، کمالی اردکانی، ۱۳۸۳، به نقل از دغافله ۱۳۸۶). در هویت فردی، فرد خود را براساس معیارهای شخصی و محیطی کوچک که از نظر برخی شامل خانواده هم می شود معرفی می کند. هویت اجتماعی گسترده تر و متنوع تر و شامل چندین لایه و چند گونه است؛ از نژادی گرفته تا ایلی، قومی، شغلی، حرفه ای و مذهبی. هویت ملی بر خلاف هویت اجتماعی یکسان و منحصر به فرد است؛ لذا آن را هویت محوری (core identity) نام نهاده اند. پس هویت ملی بالاترین سطح هویتی است (احمدی، ۱۳۸۳). با عنایت به این طبقه بندی ها، با تعدد هویت ها روبه رو هستیم، بحث تنوع و تکثر هویت ها، رابطه هویت ها را با هم مطرح می سازد؛ موضوعی که این تحقیق در پی آن است. مرور بحث های هویت و بحران هویت، مقدمه و دیباچه ای برای وجود به بحث های انسجام (integration) است. از آنجا که بحران چه در سطح هویت فردی و چه اجتماعی یکپارچگی را مختل می کند نظریه پردازان هویت با رهگیری مباحث بحران در واقع در پی ایجاد وحدت و انسجام می باشند. لذا شناخت عوامل و مؤلفه های انسجام بخش در هر جامعه ای بسیار ضروری هستند (محرابی، ۱۳۸۷). به زعم صاحب نظران، هویت نقطه عزیمت و منشا سلامت فردی و نظم اجتماعی در سطح کلان بوده و لنگرگاه ثبات فردی و اجتماعی محسوب می شود. بر این اساس هر نوع تزلزل، گسست، تاخیر و کم رنگی در هویت فردی، انسجام شخصیت را به مخاطره می اندازد و در سطح اجتماعی نیز پایه های نظم و انسجام اجتماعی را سست می سازد. لذا از منظر بهداشت روانی انسجام هویت چه در سطح فرد و چه در سطح جمع یک ضرورت تلقی می گردد. از دیگر نیازها در کاوش مقوله هویت، فهم نوع و نحوه تعامل هویت فردی با هویت اجتماعی است. از جمله کاستی ها در این حوزه، شمار اندک پژوهش هایی است که به بررسی تعامل دو سطح هویت (فردی/ اجتماعی) پرداخته اند. این رویکرد به انجام پژوهش های میان رشته ای نیازمند است که از جمله نیازهای جامعه ما محسوب می گردد. این پژوهش از یک سو مؤلفه های دو سطح هویتی را بررسی می کند و نحوه تعامل آنها را مورد نظر قرار می دهد؛ از سوی دیگر می کوشد اثر آنها بر یک بعد مهم از هویت اجتماعی یعنی هویت ملی را مورد مطالعه قرار دهد. در مورد انتخاب جامعه مورد بررسی (دانشجویان جوان) باید گفت که ایران، یک کشور با جمعیتی جوان است و جمعیت زیر ۳۰ سال بالغ بر نیمی از جمعیت کشور را شامل می شود. از جمله اتفاقاتی که وقوع آن در مورد این جمعیت جوان ممکن و محتمل است مقوله بحران هویت است. حسب مطالعات انجام شده جمعیت دانشجوی کشور [که در پایان دوره نوجوانی و اوایل جوانی است] به انحای مختلف با این موضوع رو به روست (نوابخش و نیکوکار، ۱۳۹۰، تقی لو و همکاران، ۱۳۹۴). تفاوت های اجتماعی، قومی و مذهبی از دیگر اوصاف جمعیتی کشور است. ایران کشوری چند قومی است. این تنوع و تکثر جمعیتی موجب شکاف ها و

آسیب‌هایی است که مطالعه در مورد آنها به قصد کنترل، ضروری است؛ لذا هرگونه سهل‌انگاری در پاسخ به مطالبات معوق، احساس محرومیت و بی‌عدالتی را دامن خواهد زد و حرکت‌های گریز از مرکز را موجب خواهد شد. بر پایه مطالعات انجام شده، هویت ملی، مهمترین نوع هویت است که هر یک از آسیب‌های پیش گفته می‌تواند آن را دستخوش چالش ساخته و وحدت و همگرایی ملی را به مخاطره افکند. بر این مبنا شناسایی عوامل مخل هویت ملی و تضعیف‌کننده انسجام ملی چه در سطح فرد و چه در سطح اجتماع لازم و ضروری است چرا که بدون هویت ملی توسعه‌ای در کار نخواهد بود. اگر چه در مورد لایه‌های جزئی تری از هویت مانند هویت تحصیلی دانشجویان مطالعاتی انجام شده مانند مطالعه آریانیور و همکاران (۱۳۹۸)، اما جای مطالعات جامع برای بررسی سایر وجوه هویتی خالی است. لذا مساله اصلی این تحقیق فهم سازوکار انسجام هویت ملی از طریق دو صورت دیگر هویت یعنی هویت فردی و اجتماعی است. این پژوهش می‌کوشد در سایه تحلیل و کاوش این مساله به عوامل انسجام بخش هویت ملی نیز دست یازد. بدیهی است که یکی از شروط موفقیت و توسعه عام کشور انسجام هویت ملی است بر همین اساس این پژوهش به شکل مشخص به دنبال مدلیابی روابط ساختاری بین ابعاد هویت فردی، اجتماعی و ملی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران است.

• روش

پژوهش حاضر جزو مطالعات توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارتست از کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های شهر تهران، مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی. به منظور انتخاب نمونه مورد نیاز، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، پس از تهیه فهرستی کامل از تمامی دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم؛ تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت شهر تهران دانشگاه‌های مورد نظر به صورت تصادفی انتخاب شدند. در گام بعد فهرستی از دانشکده‌های دانشگاه‌های منتخب تهیه گردید و از هر دانشکده نمونه‌ای انتخاب گردید. در مراجعه به دانشکده‌ها، از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. با عنایت به این فرمول در مورد جامعه آماری با حجم ۱۰۰/۰۰۰ نفر، نمونه‌ای به حجم ۳۸۲ نمونه مورد نیاز است. بر این اساس در پژوهش حاضر و در اجرای هر دو ابزار و در مرحله نهایی پژوهش به جهت حساسیت فرایند پژوهش، کنترل خطا، احتمال ریزش آزمودنی، تعداد ۶۰۰ پرسشنامه توزیع گردید که از این میان ۵۳۴ پرسشنامه در تحلیل وارد شد.

• ابزارها

الف. پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من (Extended Objective Measure of Ego Identity States)

(EMO-EIS-2): در این پژوهش از پرسشنامه هویت فردی آدامز (EMO-EIS-2) استفاده گردید. این پرسشنامه دارای ۶۴ ماده است که بر مبنای درجه‌بندی لیکرت و به صورت ۶ درجه‌ای به ماده‌ها پاسخ داده می‌شود. پرسشنامه سنجش عینی هویت من (EOM-EIS) در سال ۱۹۷۹ توسط آدامز، شی و فیچ برای سنجش چهار پایگاه هویتی سردرگم، زودرس، معوق و موفق در سه حیطه شغل، سیاست و مذهب ساخته شد. در سال ۱۹۸۶ آدامز و بنیون با اصلاح پرسشنامه (EOM-EIS-1) خصوصاً در بخش بین فردی، دومین پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی پایگاه هویت من (EOM-EIS-2) را با حفظ همان ساختار و با همان ۶۴ سوال مورد اصلاح قرار دادند. کاربرد این پرسشنامه در ۳۷ کشور گزارش شده است. آدامز و همکاران، اعتبار و روایی پرسشنامه را در حد قابل قبولی گزارش کرده‌اند. آنها پنج نوع روایی را در مورد پرسشنامه (EOM-EIS-1) و (EOM-EIS-2) مورد بررسی قرار داده‌اند که عبارتند از پیش‌بین، همزمان و دو نوع روایی سازه شامل: اعتبار تحلیل عاملی، همگرا و واگرا. همچنین در مطالعه اعتبار پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ (اجرا شده روی ۶۳۸ نفر از دانشجویان زن و مرد در دو مقیاس عقیدتی و بین فردی) از ۰/۵۹ تا ۰/۸۱ به دست آمد. ضریب اعتبار آزمون-آزمون مجدد محاسبه شده از سوی گراته

وانت و آدامز در سال ۱۹۸۴ از ۰/۵۹ تا ۰/۸۲ گزارش شده است. در مطالعه بنیون و آدامز (۱۹۸۶) ضریب آلفای مقیاس‌های بین فردی ۰/۵۸ بود؛ در حالی که در گروه ایرانی این ضریب از ۰/۶۰ تا ۰/۸۱ به دست آمد (غضنفری، ۱۳۸۲).

ب. پرسشنامه محقق ساخته با عنوان پرسشنامه هویت ملی و اجتماعی: برای ساخت پرسشنامه هویت ملی و اجتماعی اقدامات زیادی صورت گرفت. به این منظور ابتدا به مطالعه مقیاس‌ها و پرسشنامه‌های تهیه شده با همین موضوعات مبادرت گردید و به موازات آن از نظرات کارشناسان و متخصصان جهت تدوین مولفه‌های هویت ملی و اجتماعی استفاده شد. مطالعات نشان می‌داد در هر یک از حوزه‌های هویت ملی، همچنین هویت اجتماعی و سه بخش آن یعنی هویت ملی (قنبری، ۱۳۸۸، یوسفی ۱۳۸۰، جهاددانشگاهی، ۱۳۸۲)، هویت دینی (پویافر ۱۳۸۶، شجاعی‌زند ۱۳۸۴) و هویت مدرن (قلی پور، ۱۳۸۴، ابوالحسنی، ۱۳۸۶) مقیاس‌هایی ساخته شده است. پس از بررسی بیش از ۳۰ مقیاس این حوزه و تدوین تمامی مولفه‌های به دست آمده در تمامی این مقیاس‌ها مجموعاً ۳۵۹ مولفه در چهار حوزه کلی هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی و هویت مدرن شناسایی شد. برای بررسی روایی پرسشنامه با استفاده از روایی صوری عمل شد و تمامی ۳۵۹ مولفه ۴ حوزه هویتی در اختیار ۱۲ استاد و صاحب‌نظر قرار گرفت (۳ استاد علوم سیاسی، ۵ استاد جامعه‌شناسی و ۴ استاد روانشناسی). از این اساتید درخواست گردید کل مولفه‌های هر سرفصل را رتبه‌بندی نمایند. این اقدام خود نوعی روایی محتوا قلمداد می‌گردد. در این مرحله تعداد سوالات به ۱۵۱ مولفه تقلیل پیدا کرد و در دو مرحله اجرا و اعتباریابی شد. به منظور اعتباریابی این پرسشنامه و پاسخ به این سوال که پرسشنامه واقعاً آنچه را که برای آن طرح شده است می‌سنجد یا نه، از روش روایی سازه استفاده شد. در جهت روایی سازه، روش تحلیل عامل اکتشافی مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به نتایج تحلیل عاملی، در ۴ خرده‌آزمون، جمعاً ۳۱ عامل شناسایی شد که تنها ۱۳ عامل آنها معنادار بود. جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و میزان کلی این ضریب برای ۴ خرده‌مقیاس هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی و هویت مدرن به ترتیب برابر ۰/۸۴، ۰/۹۳، ۰/۹۵ و ۰/۷۰ به دست آمد. در مجموع می‌توان گفت که کل سوالات پرسشنامه می‌تواند هویت ملی و اجتماعی (قومی، دینی و مدرن) را بسنجد.

بعد از جمع‌آوری و بازبینی پرسشنامه‌ها، کدگذاری پرسشنامه‌ها و ثبت داده‌ها به صورت رایانه‌ای انجام شد. داده‌ها در برنامه SPSS ثبت گردید و عمده عملیات آماری پژوهش به کمک این برنامه صورت گرفت. همچنین با کمک برنامه Amos، عملیات تحلیل مسیر اجرا شد و آزمون‌های برازش اعمال شدند تا مدل نهایی به دست آید.

• یافته‌ها

زنان ۵۴/۶ درصد و مردان ۴۳/۹ درصد حجم نمونه را تشکیل داده‌اند. به لحاظ سنی، بیشترین فراوانی گروه نمونه (حدود ۸۳ درصد) در طیف سنی ۱۷ تا ۲۶ سال قرار دارد. میانگین سنی جمعیت پاسخگو ۲۳/۴ سال بود. همچنین حسب اطلاعات به دست آمده، فارسی‌ها با ۵۸/۴ درصد رتبه اول و ترک‌ها با ۱۸/۱ درصد رتبه دوم را به خود اختصاص داده‌اند. برخی شاخص‌های آماری توصیفی متغیرهای مورد مطالعه را که بیانگر میانگین، دامنه تغییرات، واریانس، انحراف استاندارد، کمترین نمره و بیشترین نمره اخذ شده توسط دانشجویان در هر یک از متغیرها است، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. شاخص‌های آماری توصیفی متغیرها

متغیر	شاخص آماری	دامنه	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	تعداد
هویت اجتماعی	۱۶۰	۷۳	۲۳۳	۱/۴۶۸۶۲	۳۴/۲۶	۱/۱۷۴۳	۵۲۴	
هویت ملی	۹۳	۳۳	۱۲۶	۶۴/۲۹	۱۷/۰۳	۲۹۰/۳۲	۵۲۴	
هویت موفق	۶۸	۱۸	۸۶	۴۷/۶	۱۰/۴۹	۱۱۰/۱۵	۵۲۴	
هویت معوق	۸۱	۱۸	۹۹	۷۱/۳۷	۱۴/۱۱	۱۹۹/۱۲	۵۲۴	
هویت زودرس	۶۷	۲۱	۸۸	۵۷/۲۶	۱۰/۸۰	۱۱۶/۷۰	۵۲۴	
هویت آشفته	۷۳	۲۲	۹۵	۷۰/۱۷	۱۱/۲۰	۱۲۵/۵۴	۵۲۴	

به منظور بررسی متغیرهای مدل هویت ملی که شامل متغیر وابسته (درونی) هویت ملی و متغیرهای مستقل (بیرونی) هویت اجتماعی (شامل هویت قومی، دینی و مدرن) و هویت فردی (شامل ۴ پایگاه موفق، معوق، زودرس و آشفته) است با استفاده از نرم افزار Amos از روش تحلیل مسیر استفاده شد. میزان اثرات کلی هر یک از متغیرهای تحقیق، بر اساس تحلیل مسیر در جدول ۲ نمایش داده شده است.

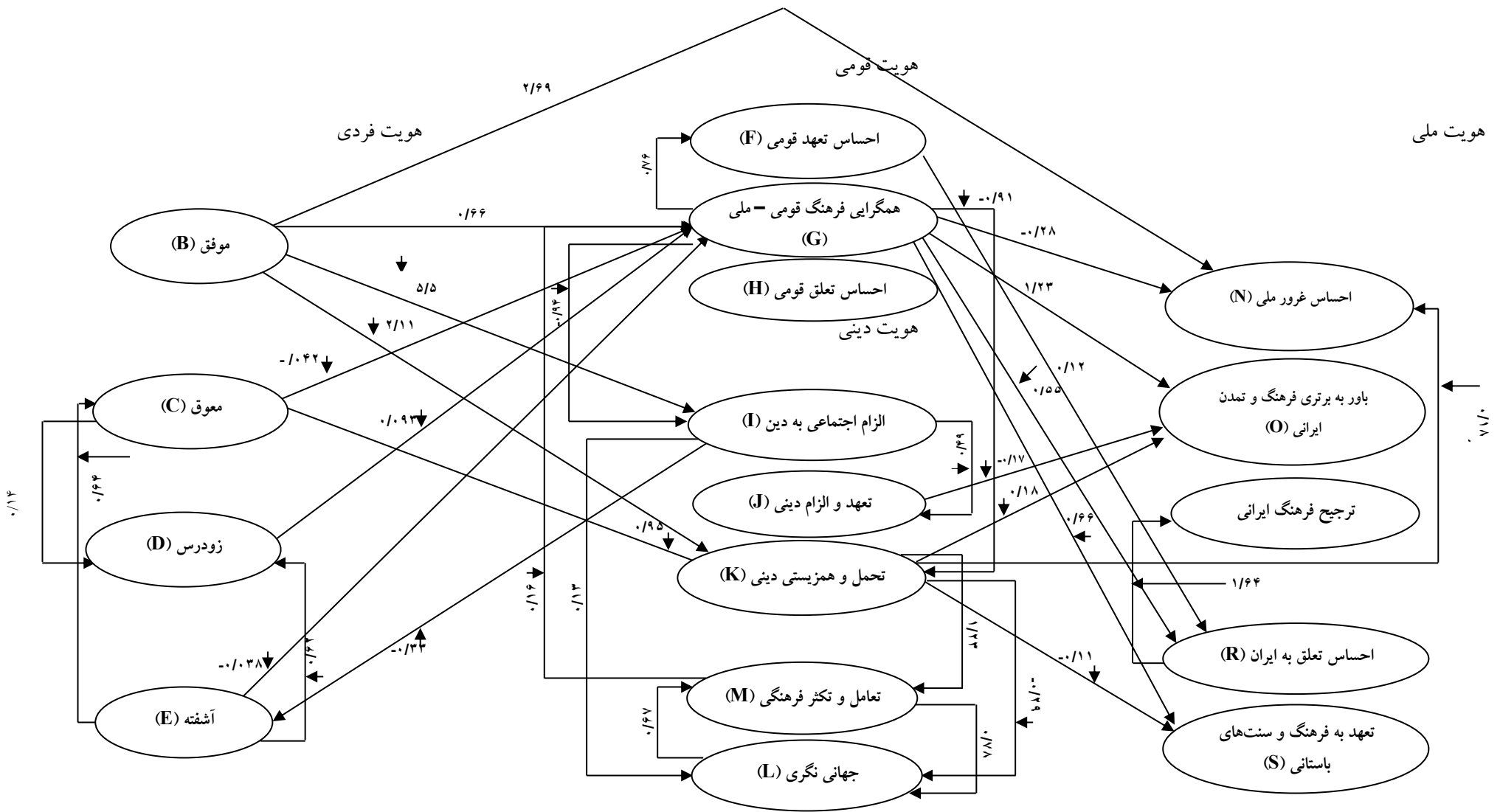
جدول ۲. مقادیر و میزان اثرات استاندارد کلی متغیرها در مدل مسیر

متغیر	هویت فردی				هویت قومی				هویت دینی				هویت مدرن				هویت ملی			
	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M	N	O	P	R	S	R	P	O
B	-	۰/۲۸۲	۰/۰۷۲	-۰/۲۸۵	۰/۶۳۰	۰/۵۸۵	۰/۷۱۵	۰/۸۶۸	۰/۷۸۲	۰/۷۷۱	۰/۶۹۲	-۰/۰۹۵	۱	۰/۶۶۹	۰/۵۱۱	۰/۷۳۷	۰/۴۰۵			
C	۰/۱۸۰	-	۰/۱۱۴	۰۰۰	-۰/۰۹۰	-۰/۲۲۰	-۰/۰۰۳	۰/۰۴۱	۰/۰۳۷	۰/۱۱۴	۰/۱۰۲	-۰/۱۴۱	-۰/۰۴۷	-۰/۱۷۳	-۰/۱۷۹	-۰/۱۷۶	-۰/۱۵۲			
D	۰/۰۱۶	۰/۲۸	-	۰/۰۱۵	۰/۰۹۷	۰/۲۳۸	۰/۰۲۶	-۰/۰۴۴	-۰/۰۰۴	-۰/۱۲۳	-۰/۱۱۱	۰/۱۴۷	۰۰۰	۰/۰۷۶	۰/۱۸۵	۰/۱۹۰	۰/۱۶۵			
E	-۰/۱۰۲	۰/۵۶۱	۰/۵۷۲	-	-۰/۰۶۶	-۰/۱۶۳	-۰/۰۱۸	-۰/۰۳۰	۰/۰۲۷	۰/۲۶۲	۰/۳۱۹	-۰/۱۳۳	-	-۰/۰۹۲	۰/۰۲۹	۰/۰۲۲	-۰/۱۱۳			
F	-	۰/۰۴۳	۰/۰۰۷	-	-	-	-	۰/۲۶۶	-	-	-	۰/۱۴۵	-	-	۰/۲۹۱	۰/۳۰۱	-			
G	۰/۰۶۵	۰/۰۷۵	-۰/۰۵۷	-۰/۰۶۱	۰/۴۰۷	-	-۰/۰۱۸	-۰/۱۸۶	-۰/۱۶۸	-۰/۵۱۷	-۰/۴۶۴	۰/۶۳۸	-	۰/۷۹۵	۰/۸۱۴	۰/۷۹۹	۰/۶۹۲			
H	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-			
I	۰/۰۴۰	۰/۰۳۴	-۰/۰۰۶	-۰/۳۲۹	-	-	-	-	۰/۹۰	-	-	-	-۰/۱۱۴	-	-	-	-			
J	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-			
K	-	۰/۳۱۹	۰/۰۵۳	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۳۸۵	-	۰/۱۹۱	۰/۱۳۶	۰/۱۴۱	-			
M	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۱۲۳	-	-	۰/۰۹۰			
L	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۶۸	-	-	۰/۰۸۲	-	-			
N	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-			
O	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-			
P	-	۰/۱۴۷	۰/۰۲۵	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۳۳۲	۰/۴۹۷	۰/۰۴۱	-	-	-			
R	-	۰/۱۴۱	۰/۰۲۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۸۰	۰/۰۳۹	۰/۹۶۵	-	-			
S	۰/۱۰۵	۰/۰۵۸	-۰/۰۱۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-			

به منظور بررسی شاخص‌های برازش مدل نهایی، داده‌های مربوط به کلیه شاخص‌ها در جدول ۳ منعکس شده است. شاخص‌ها حاکی از این هستند که مدل روابط ساختاری بین ابعاد هویت فردی، اجتماعی و ملی در بهترین حالت برازندگی بوده و مدل نهایی به طور مطلوبی برازش یافته است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل نهایی هویت

شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه
χ^2	۱/۰۰۶	< ۲	تایید مدل
P.value	۰/۴۵۶	> ۰/۰۵	تایید مدل
RMSEA	۰/۰۰۳	< ۰/۰۹	تایید مدل
NFI	۰/۹۶	> ۰/۹	تایید مدل
CFI	۱/۰۰	> ۰/۹	تایید مدل
IFI	۱/۰۰	> ۰/۹	تایید مدل
GFI	۰/۹۵	> ۰/۹	تایید مدل



شکل ۱. تحلیل مسیر متغیرهای هویت فردی، اجتماعی (قومی، دینی، مدرن) و هویت ملی (ضریب تعامل)

● بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از تعیین مدل روابط ساختاری بین ابعاد هویت فردی، اجتماعی و ملی برای آزمون این فرضیه از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد مدل روابط ساختاری متغیرهای هویت از برازش لازم برخوردار است. در تحلیل داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش می‌توان گفت متغیر هویت ملی به عنوان قوی‌ترین و مقبول‌ترین متغیر از طرف پاسخ‌گویان انتخاب شده است. این پذیرش (متغیر مذکور) به ۵ عامل مستخرج از عامل مذکور نیز تسری و تعمیم یافته است.

بعد از هویت ملی و قومی، هویت مدرن و بعد از آن هویت دینی قرار دارد. مطالعه نتایج هویت فردی نیز گویای آن هستند که بیشترین حجم پاسخگویان در پایگاه معوق متمرکز هستند و این پایگاه در هر دو بعد ایدئولوژیک و بین فردی در رتبه اول قرار گرفته است. در بعد ایدئولوژیک، پایگاه زودرس در رتبه دوم است و در بعد بین فردی هویت آشفته در رتبه دوم قرار دارد. در مطالعه جنسیتی هویت فردی، باز هویت معوق اول است (در هر دو جنس و در هر ۲ بعد). در بعد ایدئولوژیک (هم در زنان هم در مردان) هویت زودرس دوم است. در بعد بین فردی، (هم در زنان، هم در مردان) پایگاه آشفته دوم است. نکته حائز اهمیت اینکه در تمامی این طبقه‌بندیها، هویت موفق در رتبه‌های ۳ یا ۴ قرار دارد و سهم آن از ۴ پایگاه هویت فردی، جلب پاسخ (حداکثر) ۱۰ درصد جمعیت نمونه است.

نکته دیگر شناسایی جایگاه برتر هویت معوق است. این پایگاه بین ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت پاسخگوی این پژوهش را شامل شده است. یافته پژوهشی کثرت مضمولین پایگاه معوق با پیش‌بینی اریکسون (۱۹۶۸) همخوان است. اریکسون (۱۹۶۸) پیش‌بینی کرده بود هویت معوق به جهت فرایند جستجوگری و کنکاش موجود در آن، مقتضای دوره دانشجویی است و لذا بیشترین فراوانی را در بین دانشجویان دارد. این پیش‌بینی‌ها با نتایج پاره‌ای تحقیقات دیگر (مونرو و آدامز، ۱۹۷۷، آرچر و واترمن، ۱۹۹۴، استرایت ماتر، ۱۹۹۳) و برخی تحقیقات داخلی همچون تحقیق اسکندری و شکرایی (۱۳۸۳) و پاشا و گل شکوه (۱۳۸۳) همخوان است. بر پایه این پژوهش‌ها، هویت تعلیقی در میان دانشجویان رواج بیشتری دارد و بین ۲۵ تا ۳۰ درصد دانشجویان را شامل می‌شود. اما نتایج برخی پژوهش‌های داخلی همچون پژوهش جلالی (۱۳۸۷)، شکرکن و همکاران (۱۳۸۰) با نتایج این پژوهش ناهمخوان است. در پژوهش جلالی، هویت زودرس با ۵۰/۵ درصد رتبه اول را احراز کرده است و معوق با ۴/۶ درصد سهم ناچیزی در پوشش پایگاه هویتی دانشجویان داشته است. در پژوهش شکرکن (۱۳۸۰) پایگاه موفق رتبه اول را کسب کرده است.

پایگاه هویت موفق با هر سه عامل هویت قومی شامل احساس تعهد قومی، همگرایی فرهنگی قومی - ملی و احساس تعلق قومی دارای ارتباط مثبت و معنادار است. داده‌ها گویای آن هستند که عوامل هویت قومی با هویت موفق رابطه معنادار و از نوع مثبت دارند بالعکس هویت آشفته با هویت قومی دارای رابطه منفی و معکوس است. در تحلیل این داده‌ها می‌توان از نتایج پاره‌ای پژوهش‌های فینی کمک گرفت. فینی (۱۹۹۰) در بررسی تاثیر هویت قومی بر حرمت خود، اعتماد به خود و هدف زندگی دریافت که بین هویت قومی و متغیرهای مورد اشاره رابطه وجود دارد؛ بدین صورت که با افزایش سطح این متغیرها هویت قومی نیز افزایش می‌یابد. همچنین مطالعات نشان داده است میزان تعهد و مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی با هویت موفق همبستگی مثبت دارد. طبق این نظر گاه، فرد دارنده هویت سردرگم، سلبی و منفی‌بافانه به حضور سیاسی - اجتماعی نگاه می‌کند و کمترین حضور و مشارکت مربوط به هویت زودرس است (جلالی، ۱۳۹۲). بر این اساس می‌توان گفت از آنجا که هویت قومی جهت ظهور و بروز، به تعهد، تعلق، شناخت و آگاهی قومی محتاج است با هویت موفق [که تعهد و تعلق و مسئولیت‌پذیری از مولفه‌های آن است] همبسته است.

همچنین داده‌ها مویده آن هستند که بیشترین همبستگی مثبت بین هویت موفق و معوق با عوامل هویت دینی دیده می‌شود و بیشترین رابطه منفی نیز بین هویت آشفته با عوامل هویت دینی وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه کلنگ و

همکاران (۲۰۰۰) همخوان است. کانگ و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند انجام مراسم مذهبی و رفتن به کلیسا مستقیماً با هویت مرتبطاند و افراد دارای هویتی دینی - قومی از سلامت روان و ثبات هیجانی بیشتر و عزت نفس بالاتر [اوصاف هویت موفق] برخوردارند. همچنین داده‌ها موید این هستند که در هویت فردی بیشترین همبستگی مثبت بین هویت موفق و عوامل هویت مدرن وجود دارد. این رابطه هویت فردی با هویت مدرن در سایر پایگاه‌های هویت فردی متلاطم و متغیر است. از سوی دیگر داده‌ها گویای آن هستند بین کلیه عوامل هویت قومی با کلیه عوامل هویت دینی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. لذا داده‌ها گویای عدم تزاخم و تعارض هویت قومی با هویت دینی است. به نظر می‌رسد نتایج مطالعات فینی و روبرتز در مورد هویت قومی در توجیه و تبیین بهتر یافته این پژوهش (رابطه مثبت هویت قومی و دینی) مؤثر باشد. فینی (۱۹۹۰) دریافت هر چه سطح هویت قومی افزایش یابد به همان نسبت، سطح حرمت خود، هدف زندگی و اعتماد به خود نیز افزایش نشان می‌دهد. رابطه مثبت هویت قومی با هویت دینی در پژوهش حاجیانی نیز تأیید شده است. سروستانی و حاجیانی (۱۳۸۷) نشان دادند بین پاره‌ای از ابعاد هویت قومی (مثل گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی به قومیت) با پاره‌ای از ابعاد هویت دینی (مثل ابعاد فرهنگ، هویت و رفتار مذهبی) رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین دو عامل دیگر هویت قومی (احساس تعهد قومی - همگرایی فرهنگی قومی - ملی) با ۲ عامل هویت مدرن (تعامل و تکرر فرهنگی - جهانی‌نگری) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته‌ها گویای آن است که هویت قومی با هویت مدرن در تفاهم و سازگاری است و بین آنها تزاخم و تضادی دیده نمی‌شود. پژوهش‌های انجام شده در خصوص ارتباط هویت قومی با هویت مدرن، برخی در تایید و برخی در رد یافته‌های فوق هستند. لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی هویت قوم عرب گزارش کرد که مولفه‌های مدرن باعث کاهش هویت قومی شده‌اند. بنابراین طرد تجدد و مدرنیزاسیون باعث افت هویت قومی می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش سروستانی و حاجیانی مغایر است. سروستانی و حاجیانی (۱۳۸۷) گزارش کردند که بین هویت مدرن و هویت قومی رابطه معناداری مشاهده نکرده‌اند. نتایج تحقیق فکوهی و آموسی با نتایج حاصل از داده فوق همخوان است. فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) دریافتند در کردستان ایران، فرایند جهانی شدن و رواج رسانه‌های قومی مثل ماهواره، هویت جماعت‌گرایانه قومی را تقویت کرده است. این نگاه با دیدگاه یا رویکرد سوم در تحلیل جهانی شدن نزدیک است دیدگاه مذکور، جهانی شدن را پدیده‌ای تناقض نما معرفی می‌کرد به اعتقاد قائلان به این رویکرد جهانی شدن حرکتی دو سویه و دو وجهی دارد که می‌تواند به صورت دو وجهی عام شدن خاص و خاص شدن عام درک شود (رابرتسون، ۱۳۸۰، به نقل از میرزایی، ۱۳۸۸). لذا تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی شدن همزمان عامل افزایش اهمیت منطقه‌گرایی، ملی‌گرایی، محلی‌گرایی، قوم‌گرایی و عدم تمرکزگرایی شده است (سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷).

همچنین داده‌های ماتریس همبستگی هویت قومی با هویت ملی گویای این است که تمامی عوامل این دو حوزه هویتی دارای رابطه مثبت و معنادار هستند. این نشان می‌دهد بین هویت ملی و قومی نه تنها تزاخم و تضادی نیست بلکه این دو سطح هویت در تفاهم و همزیستی هستند. این نتیجه، با نتایج تحقیقات عدیده دیگر همخوان است. از جمله می‌توان به تحقیقات افروغ (۱۳۸۱)، سروستانی و حاجیانی (۱۳۸۷)، چلبی و یوسفی (۱۳۸۳)، قاسمی و توسلی (۱۳۸۱)، میرزایی (۱۳۸۸)، فکوهی (۱۳۸۸)، احمدی (۱۳۸۳) و افضلی (۱۳۸۸) اشاره کرد. تمامی این پژوهش‌ها موید نتیجه حاصله هستند. این یافته‌ها بر رویکرد نظری هویت ترکیبی نیز منطبق است. در این رویکرد تقویت هویت قومی در تعارض با هویت و انسجام ملی نیست بلکه مقوم هویت ملی است. نکته دیگر آن است که رابطه مذکور، نسبتاً قوی و بالاتر از سطح متوسط است. ضمناً این رابطه بین کلیه عوامل حاکم است و هیچ عاملی از عوامل دو نوع هویت فاقد رابطه یا دارای رابطه منفی نیست.

تحقیقات اندکی وجود دارد که نتایج آن با نتیجه این پژوهش مغایر باشد. فقط چند پژوهش محدود بر روی هویت قومی اعراب خوزستان انجام شده که نتایج آن از رابطه منفی هویت ملی با قومی حکایت دارد لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و نواح (۱۳۸۶). بالعکس در اکثر پژوهش‌های انجام شده روی اقوام ایرانی (آذری، کرد، لر، بلوچ و ترکمن) رابطه مثبت هویت ملی و

قومی گزارش شده است.

از سوی دیگر نظر به ارزیابی‌های به عمل آمده، در مقام داوری می‌توان گفت که جمعیت دانشجویی جامعه مورد مطالعه (دانشگاه‌های شهر تهران) وضعیت هویتی مطلوبی ندارد و درگیر تعلیق و تاخیر هویت است. بیشترین کسانی که از هویت تعلیقی هم خارج مانده‌اند یا گرفتار هویت زودرس‌اند (در بعد ایدئولوژیک) که هویتی خام و تقلیدی است یا در پایگاه هویت آشفته (در بعد بین فردی) گرفتار شده‌اند. غیر از احراز رتبه اول توسط هویت معلق، نکته نگران کننده دیگر، فاصله فاحش جمعیت این پایگاه با پایگاه بعدی است. در حالی که برخی پژوهش‌های داخلی شیوع هویت تعلیقی در جامعه دانشجویی را ۲۵ تا ۳۰ درصد گزارش کرده‌اند (اسکندری و شکرایی، ۱۳۸۳) این پژوهش شیوع این هویت را بین ۶۳/۸ (در بعد ایدئولوژیک) تا ۷۴/۳ درصد (در بعد بین فردی) به دست آورده است.

• نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که مدل روابط ساختاری متغیرهای هویت از برآزش لازم برخوردار است. همچنین در مقام جمع‌بندی این پژوهش می‌توان گفت که از میان متغیرهای پیش‌بین، متغیر هویت قومی به نسبت دیگر صور هویتی بیشترین تاثیر مستقیم را بر هویت ملی داشته است. بعد از هویت قومی، از نظر اثربخشی مستقیم بر هویت ملی، هویت دینی در رتبه بعدی قرار دارد. هویت فردی از نظر اثربخشی مستقیم بر هویت ملی، در رده بعدی قرار می‌گیرد. این سطح از هویت فقط از طریق متغیر پایگاه هویت موفق توانسته است به پیش‌بینی مستقیم هویت ملی بپردازد. می‌توان از سه گزاره فوق نتیجه گرفت که هویت ملی به طور مستقیم از هویت قومی، دینی و هویت فردی (موفق) نشأت گرفته است.

همچنین بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که هویت مدرن هیچ سهم و نقشی (به صورت مستقیم) در پیش‌بینی و اثربخشی بر هویت ملی نداشته است. از سوی دیگر قوی‌ترین و بیشترین رابطه غیرمستقیم، (بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک) مربوط به رابطه هویت فردی و هویت ملی است. متغیرهای هویت فردی پر تعدادترین تعامل را با متغیرهای هویت ملی برقرار کرده‌اند. همانگونه که گفته شد متغیر هویت فردی فقط در هویت موفق با هویت ملی رابطه مستقیم داشته است.

از دیگر یافته‌ها می‌توان به این اشاره کرد که هویت قومی و دینی همچنین واسطه و میانجی موثری برای تعامل دیگر متغیرها با هویت ملی بوده‌اند. در این میان، نقش هویت قومی در میانجی‌گری، قوی‌تر از هویت دینی بوده است. هویت مدرن ضمن اینکه پیش‌بینی کننده خوبی برای هویت ملی نبوده است؛ واسطه خوبی هم نبوده است.

در همین راستا باید گفت که متغیر هویت مدرن، بیشتر با هویت قومی و دینی در تعامل است. البته تعامل آن با هویت دینی قوی‌تر است. عوامل هویت مدرن بخوبی توانسته‌اند با عوامل هویت دینی (تحمل و همزیستی دینی و الزام اجتماعی به دین) تعامل برقرار سازند. متغیر همگرایی فرهنگی قومی - ملی (از متغیرهای هویت قومی) شاید قوی‌ترین متغیری است که در تحلیل مسیر شناسایی شده است. این متغیر بیشترین مسیرهای ورود و خروج (مجرای تعامل) به سایر متغیرها را ایجاد کرده است، بیشترین ارتباط را با متغیرهای هویت ملی برقرار کرده است و قوی‌ترین میانجی برای اتصال هویت فردی به هویت ملی بوده است. این متغیر ضمناً اثر قابل توجهی در خروج هویت مدرن از هجران و انزوا داشته است. متغیر الزام اجتماعی به دین (از متغیرهای هویت دینی) نیز میانجی و رابطی قوی و قدرتمند برای اتصال هویت مدرن به سایر حوزه‌های هویتی است. از آنجا که هویت مدرن کم ارتباط و کم تعامل است؛ نقش متغیر مذکور در بسط تعامل آن، بسیار موثر است.

در حقیقت هویت دینی از طریق متغیر الزام اجتماعی به دین (که حاکی از حضور اجتماعی دین است) توانسته است بر هویت مدرن اثر گذارد و محرک جهانی شدن باشد. متغیر مهم دیگر شناسایی شده در فرایند تحلیل، تحمل و همزیستی دینی است. این متغیر، هم پیش‌بینی کننده موثری برای متغیر ملاک (هویت ملی) است، هم رابط و میانجی خوبی است؛ ضمناً در تعامل داخلی سه متغیر اصلی هویت اجتماعی (هویت دینی، هویت قومی، هویت مدرن) بسیار اثرگذار است. این متغیر در ایجاد پیوند و وفاق سه متغیر هویت دینی، قومی و مدرن نقشی مهم بر عهده دارد. از دیگر متغیرهای اثرگذار در این پژوهش، هویت

موفق است که هم مستقیم در پیش‌بینی هویت ملی اثر دارد و هم به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهای میانجی (همگرایی فرهنگی قومی - ملی، الزام اجتماعی به دین و تحمل و همزیستی دینی) بر هویت ملی اثر می‌گذارد. نکته دیگر اینکه هیچیک از پایگاه‌های هویت فردی با هویت مدرن رابطه مستقیم ندارند. اگر چه هویت قومی و فردی بر هویت مدرن اثر دارند اما از طریق و با میانجی‌گری هویت دینی. یعنی هویت دینی به عنوان یک کاتالیزور، هویت فردی و قومی را به فرهنگ جهانی وصل می‌کند. دسترسی به جامعه مورد نظر، از دشواریهای این پژوهش بود. کثرت متغیرهای این پژوهش یکی دیگر از محدودیت‌های آن بود. این ویژگی امکان واریسی عمیق‌تر را محدود می‌سازد و محقق ناچار است به جهت ممانعت از اطاله مطالب، برخی موارد را به اختصار برگزار نماید. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت که شایسته است سیاست‌های تحدید قومی، [که مبتنی بر مفروضه‌های قوم‌هراسی و تهدید بودن قومیت است] به سمت سیاست‌های همگرایی و تفاهم با اقوام تغییر جهت یابند. قومیت مقوم هویت ملی است و باید تقویت شود. در تقویت قومیت، باید بر مولفه‌های فرهنگی قومیت تاکید داشت، نه بر مولفه‌های عاطفی، احساسی [که می‌تواند رنگ سیاسی و تعلقات خاص گرایانه پیدا کند]. همچنین هویت ملی از تجمیع صور و سطوح مختلف هویت (فردی و اجتماعی) شکل می‌گیرد. پس باید همه این صور و سطوح با هم تقویت شوند. هرگونه پرورش رانتهی یک صورت هویت، آن را ماهیتی سرطان‌گونه خواهد داد که ضمن تخریب و فرسایش دیگر صور، در انتها به بیماری کل ارگان (جامعه) می‌انجامد. لذا همه صور هویتی در ایران، در کنار هم معنا می‌یابند و در کنار هم رشد و تعالی پیدا می‌کنند.

• منابع

- آریانپور، حمیدرضا، حجازی، الهه، اژه ای، جواد و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۸). هویت تحصیلی دانشجویان ایرانی: یک مطالعه کیفی. *مجله روانشناسی*، ۲۲ (۳)، ۲۳۴-۲۵۳.
- ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۸۷). مولفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی، فصلنامه سیاست، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۸ (۴)، ۱-۲۲.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). *هویت و قومیت در ایران، از کتاب هویت در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی.
- افضلی، رسول. (۱۳۸۸). تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۷۰، ۷۷-۹۰.
- پاشا، غلامرضا؛ گل‌شکوه، فرزانه. (۱۳۸۲). رابطه بین اکتساب هویت و بهداشت روانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، *ویژنامه دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد*، ۴ (۱)، ۳۵۵-۳۷۳.
- پویافر، مهدی. (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی سنجه‌های دینداری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت‌معلم.
- تقی‌لو، فرامرز، کندوانی، علیرضا، جبارپور، فرهاد و ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و بحران هویت در میان دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. *تغییرات اجتماعی - فرهنگی*، ۱۲ (۴)، ۱۶-۴۶.
- جلالی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *سنخ‌شناسی روابط و رفتار دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی در سطح شهر تهران، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۲ (۴)، ۹۱-۱۰۸.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله و حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). مطالعه تجربی منابع هویت ایران. *مطالعات ملی*، ۹ (۲)، ۳۱-۵۲.
- دغافله، عقیل. (۱۳۸۶). نسبت سنجی هویت‌های اجتماعی و الگوهای هویت‌یابی در جهان امروز، *مجله راهبرد*، ۱۵ (۳)، ۴۹-۷۱.
- رنجبر، مقصود. (۱۳۸۵). *نهادهای دینی مدنی و هویت در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی*، در: *نهادهای مدنی و هویت در ایران*، به کوشش داوود غرایق زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۱)، ۳۴-۶۶.
- اسکندری، حسین و شکرایی، زهرا. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجو، *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)*، ۲ (۵)، ۸۷-۱۱۰.

- غضنفری، احمد. (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی، رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فکوهی ناصر و آموسی مجنون. (۱۳۸۸). هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیر رسمی پیرانشهر). پژوهش جوانان، (۲)، ۷۵-۴۹.
- قریشی، فردین. (۱۳۸۱). جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن، فصلنامه مطالعات ملی، ۳ (۱۱)، ۵۸-۳۷.
- قنبری، علی. (۱۳۸۷). طرح پژوهشی، سنجش هویت ملی ایرانیان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، مقدس، علی اصغر و تقوی نسب، مجتبی. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، جامعه شناسی کاربردی، ۳۳ (۱)، ۷۰-۴۵.
- محرابی، علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع.
- محمدی، حمیده و فولاد چنگ، محبوبه. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای سبک های پردازش هویت در رابطه بین سبک های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. مجله روانشناسی، ۲۲ (۳)، ۳۰۸-۳۲۵.
- میرزایی، حسینعلی. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی هویت قومی و ملی دانشجویان دانشگاههای دولتی ایران و عوامل موثر بر آن، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- نوابخش، مهرداد و سادات نیکوکار، مستانه. (۱۳۹۰). جهانی شدن و بحران هویت جوانان، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲ (۳)، ۸۹-۱۱۰.
- نواح، عبدالرضا و تقوی نسب، مجتبی. (۱۳۸۶). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان، مجله جامعه شناسی ایران، ۸ (۲)، ۱۶۳-۱۴۲.
- یوسفی، علی. (۱۳۸۳). هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای، نتیجه پژوهش، معاونت امور اجتماعی وزارت کشور.
- Kind, Amy (2015). *Persons and Personal Identity* (Key Concepts in Philosophy). Polity; 1st Edition
- Marcia (1966), development and validation of ego identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3.
- Schlenker, B. R. (2012). *Self-presentation*. In M. R. Leary & J. P. Tangney (Eds.), *Handbook of self and identity* (2nd ed., pp. 542- 570). New York: Guilford
- Vignoles, V. L., Schwartz, S. J., & Luyckx, K. (2011). *Introduction: Toward an integrative view of identity*. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 1-27). New York, NY: Springer
- Vignoles, Vivian. (2017). *Identity: Personal and Social*. Oxford Handbook of Personality and Social Psychology (2nd ed.)
- Wetherell, M. (2010). *The field of identity studies*. In M. Wetherell & C. T. Mohanty (Eds.), *The Sage handbook of identities* (pp. 3- 26). London, England: Sage
- Woodward, K. (2002). *Understanding identity*. London, England: Arnold.